



یک ماجرا، یک مقتل و دو گزارش

پرویز رستگار

درآمد:

کج مدار، برکنار نماند و چونان همه ما آدمیان که با زیستن

۱ و ۲. تعبیرهایی است که خود آن حضرت در شام عاشورا به درستی - درباره همراهان خود به کار برده اند و شیخ مفید و ابن جزری آنها را دقیقاً یکسان گزارش کرده اند: «فأني لأعلم أصحاباً أوفى ولاخيراً من أصحابي ولا أهل بيت أبر ولا أوفى من أهل بيتي» (نک: شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۹۱ و ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۴، بی جا، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵ق، ص ۵۷).

۳. کاری که محقق ارجمند و پرتلاش، دوست گرامی ما، جناب آقای محمد اسفندیاری با نگارش و نشر «کتاب شناسی تاریخی امام حسین (ع)» انجام داده اند و با حق گزارری ها و ستایش های به جای حضرات اساتید دانشمند، آقایان بهاء الدین خرمشاهی و حجت الله جوذکی رویارو شده اند؛ إنما يعرف ذا الفضل من الناس ذوه.

إذا قالت حذام فصدقوها
فإن القول ماقالت حذام

برای آگاهی از مقاله دو استاد یاد شده و نیز پاسخ کوتاه آقای اسفندیاری به آن - به ترتیب - ر. ک: آینه پژوهش، ش ۷۴، ص ۳۲ و ش ۷۵، ص ۱۳۶.

۴. یکی از دانشمندان معاصر که به راستی شایسته دریافت مدال های لیاقت «علامه» و «محقق» بوده اند، زندگی این مقتل نگار پیشناز را تحلیلگرانه گزارش کرده اند (ر. ک: علامه محقق محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، چاپ دوم، قم، تحقیق و نشر مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۱۵).

۵. همان، ص ۶۲۰.

۶. همان.

داستان جانگداز شهادت امام حسین (ع) جدا از آن که یکی از پرطنین ترین فرازهای تاریخ سده نخست زندگی مسلمانان است، نقطه تلاقی تحلیل ها، حماسه پردازی ها، شوریدگی ها و در عین حال، سوء برداشت ها، افسانه پردازی ها و سوء استفاده ها نیز هست؛ جنبه های گوناگون و حتی ناهمگونی که قلم و نگارش بی گمان - در خط مقدم پردازش آنها جای دارند.

گستره تداوم زندگی غرور آفرین آن حضرت، خاندان نیکوکار^۱ و یاران وفادارش^۲ در جهان پرغوغای واژه ها چنان بی کرانه است که تنها بسنده کردن به گردآوری آنچه - به گواهی نیروی حافظه تاریخ - درباره جنبش مصلحانه و - به ناچار - مسلحانه آنان نوشته شده، کاری بس دشوار و نیازمند هزینه شدن جان و جوانی اسفندیارانی رو بین تن و فرهیختگانی شیدا و شایسته شور حسینی است.^۳

به نظر می رسد، مقتل ابی مخنف لوط بن یحیی^۴، نخستین تلاش تاریخی مسلمانان در زمینه زنده نگاه داشتن رخداد کربلا و دادن جان جاودان بدان داستان با نفخه نیروی نیستی ناپذیر نگارش باشد؛ میراثی گران بها و مکتوبی نام آشنا که به رغم درست ترین مقتل بودن در نوع خود^۵ و پشت گرمی اش به کم ترین و نزدیک ترین گواهان و گزارشگران ماجرا^۶ - ویژگی ای که در عرصه دانش های نقلی، جایگاهی حیاتی و ممتاز دارد - از دست تطاول روزگار

بازماندگان، همچنان به زندگی خودمان ادامه می دهیم، در لابه لای صفحات کتاب هایی چون تاریخ طبری و مقاتل الطالبیین^۷ ادامه حیات داد و متنی ماندگار در مصحف روزگار شد.

باری، آنچه بهانه من برای دست زدن به فراهم آوردن این نوشتار کوتاه دامن شد، ارائه دو واحد درس با نام «ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس» در یکی از دانشگاه های کشور بود؛ با خود اندیشیدم متنی را محور فعل درس و مرکز ثقل بحث قرار دهم که افزون بر تازی بودن و داشتن پتانسیل طرح ادبیات عرب، هنگام شرح مطلوب و بسط مطلب، راضی بودن همه یا اغلب افراد مخاطب را نیز با شنیدن سخنانی تازه در قالبی نو و به اندازه، همراه داشته باشد. در همین روند، داستانی سرشار از پند و سرریز از نکته های ناب-مقتل حسین و اصحاب- را برگزیدم تا در کنار ادای تکلیف تدریس، اندکی نیز به تلطیف فضای جانگزای بی خبری فرزندان امروز این سرزمین و فاصله گرفتن آنان از تاریخ زندگی مفاخر ملت و دین دست زده باشم.

پس از درنگی نه چندان طویل، به چندین دلیل، قرار کار بر مدار مقتل حسین(ع) در کتاب الکامل فی التاریخ-نوشتار یکی از دانشمندان پر کار- استوار شد؛ کتابی جامع اخبار دیگر آثار، مانع عارضه تکرار، ناقد روایات، مرتب بر اساس توالی سنوات و یادآور حوادث و وفیات-یا به اشارات یا به تفصیلات-که با محور قرار دادن تاریخ طبری، به دست ابن اثیر جزری، آراسته به زیور نگارش^۸ و در کار گزارش ماجرای کربلا-به نقل طبری از مقتل ابی مخنف لوط بن یحیی- شد.^۹

البته، ظرافت کار تدریس و بیان و ضرورت آمادگی برای پاسخ همزمان به پرسش های احتمالی مخاطبان جوان، ایجاب می کرد به نوشته های دیگر دانشمندان که به گزارش مقتل امام حسین(ع) و یاران پرداخته بودند نیز مراجعه و آنها را هم مطالعه کنم و بدین ترتیب، عزم را جزم کردم تا-از جمله- گزارش شیخ مفید از جنبش حسین شهید را در کتاب ارشاد نیز بخوانم و زیر و بم های آن ماجرا را با این اسناد هم بدانم؛ گزارشی گویا و خواندنی که به روایت از کلبی و مدائنی نوشته و-به گفته این نویسنده نامدار^{۱۰}- با تار و پود ایجاز و اختصار سرشته شد.

به رغم آن که شیخ مفید در مقام ارائه این تلاش پر مایه خود، از لوط بن یحیی و مقتل او نامی نبرده و سنگینی بار کار خویش را بر دوش «ما رواه الکلبی والمدائنی و غیرهما من أصحاب السیره» سپرده،^{۱۱} باید دانست، از آن جا که این دو سیره نگار نامدار و عالم به ایام و اخبار^{۱۲} از روایان ابی مخنف^{۱۳} و در گذشته به سال های ۲۰۴ و ۲۲۴^{۱۴} و دارای آثار بسیار-از جمله، کتاب مقتل الحسین(ع)^{۱۵}- اند و نیز برخی فراز و نشیب های نگارش

شیخ ارشاد-بی اندک تفاوتی و تضاد- با گزارش های مستقیم و غیرمستقیم طبری و جزری از مقتل مذکور، هماهنگ و یک جور و از دوگانگی و دورنگی به دورند، می توان با اطمینان، گزارش شیخ مفید درباره جنبش حسین شهید را برگرفته از مقتل لوط بن یحیی-بی پادرمیانی واسطه ها یا به اتکای آنها- دانست.

با این همه، در تافته های همانند بافته شیخ مفید عکبری و ابن اثیر جزری در سده های پنجم و هفتم از یک مقتل نیافته سده دوم، افزون بر نقل به معنای این و نقل به الفاظ آن در مقام پردازش برخی صحنه های یک داستان، پس و پیش بودن جای گزارش مطلبی مشترک و یکسان و راه یابی کاستی های تصحیف و تحریف به بعضی تعبیرهای گزارش این دو حریف، ناهماهنگی هایی دیگر به چشم و نظر می آید که با مشاهده آنها، نگارنده پس از مراجعه های مکرر به کامل و ارشاد، در تب و تاب ابعاد این اندیشه افتاد که اگر روزی کار برآید و روزگار عوایق و موانع ناسازگار به سر آید، به میمنت موافقت تقدیرهای ربانی با تدبیرهای انسانی، دست به قلم برده، این دو گزارش را-از آغاز حرکت تا فراز شهادت امام حریت و شجاعت- با یکدیگر بسنجم تا حاصل

۷. برای نمونه، نک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، بیروت، روائع التراث العربی، بی تا، ص ۳۵۱ و ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، چاپ دوم، قم، مؤسسه دارالکتاب، بی تا، ص ۶۲.

۸. ابن اثیر جزری، پیشین، ج ۱، ص ۳-۴.

۹. بنابراین، سخن یکی از نویسندگان معاصر که ابن اثیر جزری-مانند محمد ابن جریر طبری- در کتاب نامدار خود، الکامل فی التاریخ، به استفاده از مقتل ابی مخنف اقدام و در این کار، بدون وساطت طبری عرض اندام کرده است، درست نمی نماید (نک: حسن غفاری، کتاب مقتل الحسین، بی جا، قم، بی تا، ۱۳۹۸ق، مقدمه، صفحه ۵۰-).

۱۰. شیخ مفید، پیشین، ص ۳۲.

۱۱. همان.

۱۲. همان؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۴، بی جا، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا، ص ۲۵۳ و ج ۶، ص ۱۹۶؛ ابوالعباس نجاشی، رجال النجاشی، ج ۲، چاپ اول، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸ق، ص ۳۹۹؛ شیخ طوسی، الفهرست، بی جا، نجف اشرف، نشر مکتبه و مطبعة مرتضویه، بی تا، ص ۹۵ و ابوسعید سمعانی، الانساب، ج ۵، چاپ اول، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶ و ۲۳۲.

۱۳. ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۴، ص ۴۹۲ و ابوعبدالله ذهبی، تاریخ الاسلام، مجلد حوادث و وفیات ۲۰۱-۲۱۰، چاپ دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۹.

۱۴. ابن حجر عسقلانی، همان، ص ۲۵۳؛ ابوعبدالله ذهبی، همان، ص ۴۲۰ و ابوسعید سمعانی، پیشین، ص ۸۷ و ۲۳۲.

۱۵. ابوالعباس نجاشی، پیشین، ص ۴۰ و شیخ طوسی، پیشین.

دستر نجم و محصول کار در اختیار این مجله گران مقدار - آینه پژوهش - درآید و در صورت پذیرش و درآمدن به لباس فاخر انتشار، در چشم خوانندگان فرهیخته و فرهنگ مدار برآید؛ از آن اندیشه و اراده و خواست، این مقاله پر کم و کاست که اینک پیش روی شماست، برخواست ...

۱. فزازهایی که تنها در گزارش اوشاد بازتاب یافته است:

۱-۱. تاریخ فراخوانده شدن امام حسین (ع) نزد ولید بن عتبه، فرماندار مدینه و نیز تاریخ حرکت آن حضرت از مدینه به سوی مکه؛ «فأقام الحسين (ع) في منزله تلك الليلة وهي ليلة السبت لثلاث بقين من رجب سنة ستين ... فخرج (ع) من تحت ليلته - وهي ليلة الأحد ليومين بقيا من رجب - متوجهاً نحو مكة ...» ۱۶. ۱-۲. حرکت امام حسین (ع) از شاهراه نه بیراهه؛ «فسار الحسين (ع) إلى مكة ... ولزم الطريق الأعظم ...» ۱۷. ۱-۳. تاریخ ورود امام حسین (ع) به مکه؛ «لما دخل الحسين مكة - كان دخوله إليها ليلة الجمعة لثلاث مضين من شعبان - دخلها وهو يقول ...» ۱۸.

۱-۴. تاریخ نخستین نامه کوفیان به امام حسین (ع)؛ «فاجتمعت الشيعة بالكوفة ... فكتبوا ... ثم سرّحو الكتاب ... لعشر مضين من شهر رمضان ...» ۱۹.

۱-۵. نام پیک های کوفیان که نامه های دوم و سوم آنان را به امام حسین (ع) رساندند؛ «وأنفذوا قيس بن مسهر الصيداوي ... و سرّحو إليه هانئ بن هانئ السبيعي و ...» ۲۰.

۱-۶. نامه هایی که کوفیان دو نفره و چهار نفره به امام حسین (ع) نوشتند؛ «أنفذوا ... ومعهم نحو من مائة وخمسين صحيفة من الرجل والاثنين والأربعة» ۲۱.

۱-۷. نام آخرین پیک های میان کوفیان و امام حسین (ع)؛ «ثم كتب مع هانئ بن هانئ و سعيد بن عبدالله، و كانا آخر الرسل» ۲۲. ۱-۸. نام همراهان مسلم بن عقيل هنگام سفر وی به کوفه؛ «دعا الحسين بن علي مسلم بن عقيل ... فسرّحه مع قيس ابن مسهر الصيداوي و ...» ۲۳.

۱-۹. واکنش مسلم بن عقيل به تلخی هایی که در مسیر سفر به کوفه دید، نگارش نامه ای به امام حسین (ع) در این باره در منزلگاه «مضيق» و عکس العملی که پس از دریافت پاسخ نامه خود از سوی آن حضرت، نشان داد؛ «فكتب مسلم بن عقيل - رحمه الله - من الموضع المعروف بالمضيق ... فكتب إليه الحسين ... فلما قرأ مسلم الكتاب قال ...» ۲۴.

۱-۱۰. شمار بیعت کنندگان کوفی با مسلم بن عقيل؛ «بايعة الناس حتى بايعة منهم ثمانية عشر ألفاً» ۲۵.

۱-۱۱. متن نامه یزید به عبیدالله بن زیاد پس از آن که در پی کنکاش با سرجون، تصمیم به فرمانداری اش بر کوفه گرفت؛ «فلما وصلت الكتب إلى يزيد دعا سرجون ... وكتب إلى عبیدالله ابن زیاد معه: أما بعد ...» ۲۶.

۱-۱۲. برخی ریزه کاری های آستانه ورود ابن زیاد به کاخ فرمانداری کوفه؛ «سار حتى وافى القصر في الليل ومع جماعة ...» ۲۷.

۱-۱۳. ریزه کاری های جاسوسی های معقل در خانه هانی و نام مسئول جمع آوری اموال و تدارک سلاح در میان اطرافیان مسلم بن عقيل؛ «فقال له معقل: لا يكون إلا خيراً ... فأخذ مسلم ابن عقيل بيعة، وأمر أبا ثمامة الصائدي، فقبض منه المال، وهو الذي كان يقبض أموالهم ... ويشترى لهم السلاح ...» ۲۸.

۱-۱۴. خطبه ابن زیاد پس از تجمع مذحجیان در برابر کاخ فرمانداری کوفه؛ «خرج عبیدالله بن زیاد، فصعد المنبر ... فقال: أما بعد، أيها الناس ...» ۲۹.

۱-۱۵. گوشه ای از تلاش های تبلیغاتی مأموران ابن زیاد برای پراکندن تخم ترس و تفرقه در دل های هواداران مسلم بن عقيل؛ «أقام الناس مع ابن عقيل يكثرون حتى المساء وأمرهم شديد، فبعث عبیدالله إلى الأشراف، فجمعهم، ثم أشرفوا على الناس ... وخوفوا أهل العصيان ... وأعلموهم وصول الجند من الشام إليهم ...» ۳۰.

۱-۱۶. جزئیات تفتیش دقیق مسجد کوفه از سوی مأموران

۱۶. شیخ مفید، پیشین، ص ۳۴.

۱۷. همان، ص ۳۵.

۱۸. همان.

۱۹. همان، ص ۳۶.

۲۰. همان، ص ۳۷.

۲۱. همان.

۲۲. همان، ص ۳۸.

۲۳. همان، ص ۳۹.

۲۴. همان، ص ۴۰.

۲۵. همان، ص ۴۱.

۲۶. همان، ص ۴۲.

۲۷. همان، ص ۴۳.

۲۸. همان، ص ۴۶.

۲۹. همان، ص ۵۱.

۳۰. همان، ص ۵۳.

وجعلها عمرة، لأنه لم يتمكن من تمام الحج، مخافة أن يقبض عليه بمكة...» ۴۱.

۱-۲۷. واكنش عبدالله بن جعفر پس از آنکه با امام حسین (ع) دیدار کرد و نتوانست آن حضرت را وادار به بازگشت به مکه کند؛ «فلما أيس منه عبدالله بن جعفر أمر ابنه عوناً و محمداً بلزومه و...» ۴۲.

۱-۲۸. حرکت شتاب آمیز امام حسین (ع) و رسیدن آن حضرت به منزلگه «ذات عرق»؛ «توجه الحسين (ع) نحو العراق مغداً لايلوي على شيء حتى نزل ذات عرق» ۴۳.

۱-۲۹. برقراری حکومت نظامی در سرزمین های مابین «واقصه» تاراه های شام و بصره از سوی ابن زیاد؛ «كان عبيدالله ابن زياد أمر فأخذ مابين واقصة إلى طريق الشام إلى طريق البصرة، فلا يدعون أحداً يلج و...» ۴۴.

۱-۳۰. چگونگی تحریک شدن زهیر بن قین برای دیدار با امام حسین (ع)؛ «أقبل رسول الحسين (ع) ... فقال: يا زهير ابن القين، إن أبا عبد الله الحسين بعثني إليك، لتأتيه ... فقالت له امرأته: سبحان الله! أبعث إليك ابن رسول الله، ثم لا تأتيه...» ۴۵.

۱-۳۱. چگونگی آگاهی عبدالله بن سلیمان و منذر بن مشعل از شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و رساندن این خبر به امام حسین (ع)؛ «روى عبدالله بن سليمان والمنذر بن المشعل الأسديان؛ قالوا: لما قضينا حجنا ... فأقبلنا حتى لحقنا الحسين ... فقلنا له: رحمك الله، إن عندنا خيراً...» ۴۶.

۱-۳۲. نام مؤذن امام حسین (ع)؛ «حضرت صلاة الظهر، و أمر الحسين الحجاج بن مسرور أن يؤذن» ۴۷.

ابن زیاد پس از پراکنده شدن کوفیان از پیرامون مسلم بن عقیل؛ «لما تفرق الناس عن مسلم بن عقیل طال علی ابن زیاد و... قال لأصحابه: أشرفوا، فانظروا... فنزعوا تخارج المسجد...» ۳۱.

۱-۱۷. ستایش های ابن زیاد از محمد بن اشعث؛ «دخل ابن زياد القصر... وأقبل محمد بن الأشعث، فقال: مرحباً... ثم أقعده إلى جنبه» ۳۲.

۱-۱۸. نام کسانی که هنگام آوردن مسلم بن عقیل به کاخ فرمانداری کوفه-پس از دستگیری و اسارتش- منتظر دریافت اذن دخول بودند؛ «انتهي بابن عقیل إلى باب القصر... وعلی باب القصر ناس جلوس ينتظرون الإذن فيهم عمارة بن عقبه ابن أبي معيط و...» ۳۳.

۱-۱۹. واکنش های هانی بن عروه هنگامی که برای اجرای حکم اعدام، از کوچه های کوفه می گذشت؛ «فأخرج هانی حتى انتهى به إلى مكان من السوق... وهو مكتوف، فجعل يقول: واذ مذحجاه!...» ۳۴.

۱-۲۰. نام قاتل هانی بن عروه؛ «فضربه مولى لعبيدالله -توكي- يقال له: رشيد- بالسيف...» ۳۵.

۱-۲۱. چگونگی کشته شدن هانی بن عروه و سخنان او هنگام اجرای حکم اعدام؛ «فضربه... بالسيف، فلم يصنع شيئاً، فقال هانی: إلى الله المعاد... ثم ضربه أخرى، فقتله» ۳۶.

۱-۲۲. متن نامه ای که عبيدالله بن زیاد پس از شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه به یزید نوشت و چگونگی نگارش آن؛ «فكتب الكاتب... فأطال... فلما نظر فيه عبيدالله تکرهه، وقال: ما هذا التطويل؟ وما هذه الفصول؟ اكتب: أما بعد...» ۳۷.

۱-۲۳. نام کسانی که سرهای بریده مسلم بن عقیل و هانی ابن عروه را برای یزید بردند؛ «لما قتل مسلم و هانی -رحمة الله عليهما- بعث عبيدالله بن زياد برؤوسهما مع هانی بن أبي حية الوادعي و...» ۳۸.

۱-۲۴. تاریخ قیام مسلم بن عقیل در کوفه؛ «كان خروج مسلم بن عقیل -رحمة الله عليهما- بالكوفة يوم الثلاثاء...» ۳۹.

۱-۲۵. تاریخ شهادت مسلم بن عقیل؛ «كان... قتله يوم الأربعاء...» ۴۰.

۱-۲۶. تبدیل حج امام حسین (ع) به عمره و دلیل آن؛ «لما أراد الحسين (ع) التوجه إلى العراق طاف... وأحل من إحرامه،

- ۳۱. همان، ص ۵۵.
- ۳۲. همان، ص ۵۷.
- ۳۳. همان، ص ۶۰.
- ۳۴. همان، ص ۶۴.
- ۳۵. همان.
- ۳۶. همان.
- ۳۷. همان، ص ۶۵.
- ۳۸. همان.
- ۳۹. همان، ص ۶۶.
- ۴۰. همان.
- ۴۱. همان، ص ۶۷.
- ۴۲. همان، ص ۶۹.
- ۴۳. همان.
- ۴۴. همان، ص ۷۲.
- ۴۵. همان، ص ۷۳.
- ۴۶. همان.
- ۴۷. همان، ص ۷۸.

۱-۳۳ . نام یکی از همراهان امام حسین (ع) که به فرمان آن حضرت، خرچین نامه های کوفیان را نزد حر بن یزید ریاحی آورد و نشان داد؛ «فقال الحسين (ع) لبعض أصحابه: يا عقبه ابن سمعان، أخرج الخرجين ...» . ۴۸

۱-۳۴ . دفعات رد و بدل شدن سخنان تند میان امام حسین (ع) و حر بن یزید ریاحی؛ «فترادأ الكلام ثلاث مرآت» . ۴۹

۱-۳۵ . ذکر نام عقبه بن سمعان به عنوان گزارشگر خواب کوتاه امام حسین (ع) و گفت و گویش با فرزند خود - علی ابن الحسین - پس از حرکت از منزلگاه «قصر بنی مقاتل»؛ «فارتحل من قصر بنی مقاتل، فقال عقبه بن سمعان: سرنا معه ساعة، فحفق - وهو علی ظهر فرسه - خفقة ... فأقبل إليه ابنه علي بن الحسين (ع) علی فرس، فقال: ممّ حمدت الله ...» . ۵۰

۱-۳۶ . دفعات استرجاع و حمد امام حسین (ع) پس از بیدار شدن از خواب کوتاه حین سفر و بر پشت اسب؛ «ثم أنتبه وهو يقول: إنا لله ... والحمد لله ... ففعل ذلك مرتين أو ثلاثاً» . ۵۱

۱-۳۷ . شناخته شدن پیک ابن زیاد به حر بن یزید ریاحی، توسط یکی از یاران امام حسین (ع) و در گرفتن گفت و گویی پر خاش آمیز میان آن دو؛ «فنظر یزید بن المهاجر الكناني - وكان مع الحسين (ع) - إلى رسول ابن زیاد، فعرفه، فقال له یزید: ثكلتك أمك ... فقال له ابن المهاجر: بل عصيت ربك ...» . ۵۲

۱-۳۸ . حوادث و چگونگی روانه شدن نخستین پیک عمر ابن سعد به سوی امام حسین (ع)، نام او و ناکام ماندنش در رساندن پیام؛ «قدم عليهم عمر بن سعد بن أبي وقاص ... وبعث إلى الحسين (ع) عروة بن قيس ... فاستحيا منه أن يأتيه، فعرض ذلك على الرؤساء الذين كاتبوه، فكلهم أبي ذلك، وكرهه، فقام إليه كثير بن عبدالله الشعبي ... فقال: أنا أذهب إليه ... فاستبأ، وانصرف إلى عمر بن سعد، فأخبره الخبر» . ۵۳

۱-۳۹ . شناخته شدن دومین پیک ارسالی عمر بن سعد به سوی امام حسین (ع) توسط حبیب بن مظاهر و سرزنش کردن او از این که پس از رساندن پیام، دوباره به سوی کوفیان باز گردد و بدان ها بپیوندد؛ «فدعا عمر مرة بن قيس الحنظلي ... فلما رآه الحسين مقبلاً قال: أتعرفون هذا؟ فقال له حبیب بن مظاهر: نعم، هذا رجل من حنظلة تميم ... ثم قال حبیب بن مظاهر: ويحك يا قرّة، أين ترجع؟! إلى القوم الظالمين؟! ...» . ۵۴

۱-۴۰ . نام کسی که شاهد واکنش ابن زیاد پس از خواندن نخستین نامه عمر بن سعد به او بود؛ «قال حسان بن قائد العبيسي: وكنت عند عبيد الله حين أتاه هذا الكتاب، فلما قرأه قال ...» . ۵۵

۱-۴۱ . واکنش عمر بن سعد پس از دریافت نخستین پاسخ

ابن زیاد به نامه اش؛ «فلما ورد الجواب على عمر بن سعد قال: قد خشيت ألا يقبل ابن زیاد العافية» . ۵۶

۱-۴۲ . «سپاه خدا» دانستن کوفیان و شادباش گفتن بدان ها از سوی عمر بن سعد، هنگام حرکتشان به سوی امام حسین (ع) و یاران آن حضرت در ساعات پایانی روز تاسوعا؛ «ثم نادى عمر ابن سعد: يا خيل الله اركبي، وأبشري، فركب الناس، ثم زحف نحوهم بعد العصر وحسين (ع) جالس أمام بيته ...» . ۵۷

۱-۴۳ . همراهی پیک عمر بن سعد با عباس بن علی (ع) هنگام بازگشتن آن جناب به سوی امام حسین (ع) برای اعلان موافقت فرمانده سپاه کوفه با درخواست مهلت یک شب؛ «فمضى العباس إلى القوم، ورجع من عندهم ومعه رسول من قبل عمر بن سعد يقول: إنا قد أجلناكم إلى غد ...» . ۵۸

۱-۴۴ . واکنش امام سجاد (ع) پس از شنیدن اشعاری که امام حسین (ع) آنها را در شب عاشورا خواندند؛ «قال علي بن الحسين (ع): إني لجالس في تلك العشيّة ... وأبي يقول:

يا دهر أف لك من خليل

کم لك بالإشراق والأصيل ...

فخفقتني العبرة، فرددتها، ولزمت السكوت ...» . ۵۹

۱-۴۵ . گفت و گوی پر خاش آمیز یکی از یاران امام حسین (ع) با یکی از یاران عمر بن سعد در شب عاشورا؛ «قال الضحاک ابن عبدالله: ومرّ بنا خيل لابن سعد يحرسنا وإنّ حسيناً ليقرأ ... فسمعها من تلك الخيل رجل يقال له: عبدالله بن سمير، وكان مضحاكاً ... فقال: نحن - ورب الكعبة - الطيبون ميّزنا منكم،

۴۸ . همان، ص ۸۰.

۴۹ . همان.

۵۰ . همان، ص ۸۲.

۵۱ . همان.

۵۲ . همان، ص ۸۳.

۵۳ . همان، ص ۸۴.

۵۴ . همان، ص ۸۵.

۵۵ . همان، ص ۸۶.

۵۶ . همان.

۵۷ . همان، ص ۸۹.

۵۸ . همان، ص ۹۱.

۵۹ . همان، ص ۹۳.

۱-۵۳. رجز خوانی های حر بن یزید ریاحی پیش از نبرد با یزید بن سفیان و نیز نافع بن هلال پیش از درگیری با مزاحم بن حریت و گفت و گوی دو فرد اخیر الذکر با هم؛ «حمل الحر... وهو يتمثل بقول عترة:

مازلت أرميهم بغرة وجهه
ولبانه حتى تسربل بالدم

فبرز إليه رجل من بلحارث يقال له: يزید بن سفیان... وبرز نافع بن هلال وهو يقول:

أنا ابن هلال البجليّ
أنا على دين عليّ

فبرز إليه مزاحم بن حریت، فقال له: أنا على دين عثمان، فقال له النافع: أنت...» ۶۸

۱-۵۴. رجز خوانی حر بن یزید ریاحی پس از آن که اسبش زخمی و خودش نیز پیاده شد و چگونگی شهادت و نام یکی از کشتگان؛ «فعفر بالحر بن یزید فرسه، فنزل عنه، وجعل يقول:

إن تعقروا بي فأنا ابن الحرّ
أشجع من ذي لبد هزبر

ويضربهم بسيفه، وتكاثروا عليه، فاشترك في قتله أيوب ابن مسرّح ورجل آخر...» ۶۹

۱-۵۵. اشعاری که زهیر بن قین هنگام نبرد، خطاب به امام حسین (ع) می خواند؛ «أنشأ زهير بن القين يقول مخاطباً للحسين (ع):

اليوم نلقى جدك النيباً
وحسناً والمرضى علياً...» ۷۰

۱-۵۶. ویژگی های ظاهری و سن فرزند شهید امام حسین (ع) که در تداول عامه، به «علی اکبر» مشهور شده است؛ «فتقدم ابنه علي بن الحسين (ع)... وكان من أصبح الناس وجهاً، وله يومئذ بضع عشرة سنة.» ۷۱

۱-۵۷. سخن کینه توزانه مرّۀ بن منقذ عبدی هنگام به شهادت

فقال له برير بن خضير: يا فاسق... فتساباً» ۶۰

۱-۴۶. قصد مسلم بن عوسجه برای تیراندازی به سوی شمر ابن ذی الجوشن پیش از آغاز درگیری و پس از نزدیک شدن وی به خندقی که یاران امام حسین (ع) برای دفاع از خود کنده و در آن، آتش افروخته بودند و پیشگیری آن حضرت از این کار، به دلیل آغاز گز نبرد نبود؛ «أقبل القوم يجولون... فيرون الخندق في ظهورهم والنار تضطرم في الحطب والقصب الذي كان ألقى فيه، فنأدى شمر... ورام مسلم بن عوسجة أن يرميه بسهم، فمنعه الحسين...» ۶۱

۱-۴۷. فرمان امام حسین (ع) به عقبه بن سمعان مبنی بر آن که پس از پیاده شدن آن حضرت از اسب، آن را ببندد و او نیز چنین کرد؛ «ثم أناخ راحلته، وأمر عقبه بن سمعان، فعقلها.» ۶۲

۱-۴۸. گزارش قرّۀ بن قیس از فاصله گرفتن و جدا شدن حر ابن یزید ریاحی از کوفیان به بهانه آب دادن به اسب خود؛ «فأقبل الحرّ... فقال: يا قرّة، هل سقيت فرسك اليوم؟... فاعتزل ذلك المكان الذي كان فيه... فأخذ يدنو من الحسين قليلاً قليلاً...» ۶۳

۱-۴۹. فرمان امام حسین (ع) به حر بن یزید توبه کار که فرود آید و پیشنهاد حر به آن حضرت که همچنان که سواره است، بجنگد و موافقت آن جناب؛ «فقال له الحسين (ع): نعم، يتوب الله عليك، فانزل. قال: فأنا لك فارساً خيراً مني راجلاً... فقال له الحسين: فاصنع -يرحمك الله- ما بدا لك.» ۶۴

۱-۵۰. دو بیت شعری که یکی از یاران امام حسین (ع) پس از توبه حر بن یزید ریاحی خواند؛ «ثم أنشأ رجل من أصحاب الحسين (ع) يقول:

لنعم الحرّ حرّ بني رياح

وحر عند مختلف الرماح...» ۶۵

۱-۵۱. هشدار یاران امام حسین (ع) به عبدالله بن عمیر کلبی که متوجه حمله غافلگیرانه برده ابن زیاد باشد؛ «برز إليه عبدالله ابن عمير... فيأنه لمشتغل بضربه إذ شدّ عليه سالم مولى عبيدالله ابن زياد، فصاحوا: قدرهتك العبد...» ۶۶

۱-۵۲. رجزی که عبدالله بن عمیر پس از کشتن دو برده مبارزه جوی کوفی خواند؛ «أقبل وقد قتلهما جميعاً، وهو يرتجز، ويقول:

إن تنكروني فأنا ابن كلب

إني امرؤ ذو مرّة وعضب...» ۶۷

۶۰. همان، ص ۹۵.

۶۱. همان، ص ۹۶.

۶۲. همان، ص ۹۸.

۶۳. همان، ص ۹۹.

۶۴. همان، ص ۱۰۰.

۶۵. همان.

۶۶. همان، ص ۱۰۱.

۶۷. همان.

۶۸. همان، ص ۱۰۲.

۶۹. همان، ص ۱۰۴.

۷۰. همان، ص ۱۰۵.

۷۱. همان، ص ۱۰۶.

رساندن علی بن الحسین (ع)؛ «بصر به مره بن متقد العبدی»، فقال: علي آثم العرب إن لم أئكله أباه... فطعنه، فصرع...» ۷۲. ۱-۵۸. واکنش حضرت زینب (س) پس از شهادت علی ابن الحسین (ع)؛ «خرجت زینب أخت الحسین مسرعة، فنادی: یا أخیاه وابن أخیاه...» ۷۳.

۱-۵۹. شهادت محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و نام کشنده اش؛ «حمل عامر بن نهشل التیمی علی محمد بن عبدالله ابن جعفر بن ابی طالب -رضی الله عنه- فقتله» ۷۴. ۱-۶۰. شهادت عباس بن علی (ع) و نام کشندگان آن حضرت؛ «أحاط القوم بالعباس... وكان المتولي لقتله زيد ابن ورقاء الحنفي وحكيم بن الطفيل السنبسي...» ۷۵. ۱-۶۱. اعتراض حضرت زینب (س) به کوفیان هنگام به شهادت رسیدن امام حسین (ع) و سکوت آنها؛ «خرجت أخته زینب... فنادت: ويحكم، أما فيكم مسلم؟! فلم يجيبها أحد بشيء» ۷۶.

۲. فرازهایی که تنها در گزارش کامل بازتاب یافته است:

۲-۱. گفت و گوها و رایزنی های ولید بن عتبه با مروان بن حکم پیش از فراخواندن امام حسین (ع) و عبدالله بن زبیر؛ «فلما عظم علی الولید هلاکه... استدعی مروان... واستشاره الولید کیف یصنع. قال: أری أن تدعوهم...» ۷۷.

۲-۲. تمثّل امام حسین (ع) به دو بیت شعر یزید بن مفرغ پس از گفت و گو با محمد بن حنفیه؛ «ثم دخل المسجد وهو يتمثل بقول یزید بن مفرغ:

لادعوت السوام في شفق الصب

ح مغیرا ولا دعیت یزیدا...» ۷۸.

۲-۳. سخن عبدالله بن عمر به امام حسین (ع) و عبدالله ابن زبیر پس از آن که از مکه به مدینه بازگشت و آن دو او را دیدند؛ «إن ابن عمر كان هو وابن عباس بمكة، فعادا إلى المدينة، فلقیهما الحسین وابن الزبیر... فقال ابن عمر: لا تفرقا جماعة المسلمین» ۷۹. ۲-۴. عزل ولید بن عتبه، فرمانداری عمرو بن سعید بر مدینه و اقدامات فرماندار جدید برای سرکوب عبدالله بن زبیر و پی آمدهای آن؛ «في هذه السنة عزل الولید بن عتبه عن المدينة... واستعمل علیها عمرو بن سعید الأشدق... فاستشار عمرو ابن سعید عمرو بن الزبیر فیمن یرسله إلى أخیه...» ۸۰.

۲-۵. دیدار عبدالله بن مطیع با امام حسین (ع) در راه مکه و ارائه راه حل های خود به آن حضرت؛ «لما خرج الحسین من المدينة إلى مكة لقیه عبدالله بن مطیع، فقال له... إذا أتیت مكة فإياك أن تقرب الكوفة...» ۸۱.

۲-۶. گردهم آمدن شیعیان بصره در خانه زنی به نام ماریه

بنت سعد و پیوستن چند تن از آنان به امام حسین (ع)؛ «اجتمع ناس من الشيعة بالبصرة في منزل امرأة من عبد القيس يقال لها: مارية بنت سعد...» ۸۲.

۲-۷. نامه های امام حسین (ع) به بزرگان بصره و واکنش آنها؛ «كان الحسین قد كتب إلى... الأشراف، فكتب إلى مالك ابن مسمع البكري... يدعوهم إلى كتاب الله وسنة رسوله... فكلهم كتبوا كتابه إلا المنذر بن الجارود، فإنه خاف...» ۸۳.

۲-۸. سخنرانی تهدیدآمیز عبیدالله بن زیاد خطاب به مردم بصره در آستانه خروج از این شهر و رفتن به سوی کوفه؛ «خطب الناس، وقال: أما بعد... ثم خرج من البصرة...» ۸۴.

۲-۹. برخی جزئیات سفر ابن زیاد از بصره به کوفه؛ «كان شريك شيعياً، وقيل: كان معه خمسمائة... فلم يقف على أحد منهم حتى دخل الكوفة وحده» ۸۵.

۲-۱۰. واکنش هانی بن عروه هنگام پناه بردن مسلم بن عقیل به خانه اش؛ «سمع مسلم بمقالة عبیدالله... وأتی دار هانی ابن عروة المرادي... فلما رآه كره مكانه... فأواه» ۸۶.

۲-۱۱. توطئه شریک بن اعور و مسلم بن عقیل برای ترور ابن زیاد؛ «مرض شريك بن الأعور... فقال لمسلم: إن هذا الفاجر عائدي العشيّة، فإذا جلس اخرج إليه، فاقتله... فقام مسلم بن عقيل...» ۸۷.

۷۲. همان.

۷۳. همان، ص ۱۰۷.

۷۴. همان.

۷۵. همان، ص ۱۰۹.

۷۶. همان، ص ۱۱۲.

۷۷. ابن اثیر جزری، پیشین، ج ۴، ص ۱۴.

۷۸. همان، ص ۱۷.

۷۹. همان.

۸۰. همان، ص ۱۸.

۸۱. همان، ص ۱۹.

۸۲. همان، ص ۲۱.

۸۳. همان، ص ۲۳.

۸۴. همان.

۸۵. همان، ص ۲۴.

۸۶. همان، ص ۲۵.

۸۷. همان، ص ۲۶.

مکه و گفت و گوی کنایه آمیزش با ابن زبیر پس از این دیدار؛ «آناه ابن عباس، فقال: یا ابن عمّ، إني أتصبر، ولا أصبر... ثم خرج ابن عباس من عنده، فمرّ بابن الزبير، فقال: قرّت عينك...» ۹۸.

۲۳-۲. سخنرانی امام حسین (ع) پس از تغییر مسیر و پیش از رسیدن به منزلگاه «عذیب الهجانات»؛ «فتیاسر عن طریق العذیب... ثم إنّ الحسین خطبهم، فحمدالله، وأثنى علیه، ثم قال: أيها الناس...» ۹۹.

۲۴-۲. پیوستن چهارتن از مردم کوفه به امام حسین (ع) در منزلگاه «عذیب الهجانات» و پرس و جوی آن حضرت از آنان درباره اوضاع کوفه و کوفیان و پایان کار قیس بن مسهر؛ «انتهی إلى عذیب الهجانات... فیأذا هو بأربعة نفر قد أقبلوا من الکوفة... فقال لهم الحسین: أخبروني... وسألهم عن رسوله قیس ابن مسهر...» ۱۰۰.

۲۵-۲. پیشنهاد طرمّاح بن عدی به امام حسین (ع) برای پناه بردن آن حضرت به سرزمین مردم قبیله اش و کمک خواستن از آنان و نیز پایان کار او؛ «قال له طرمّاح بن عدی... فسرحتی أنزلک جبلنا أجاً... فودّعه، وسار إلى أهله... فلما بلغ عذیب الهجانات لقیه خیر قتله، فرجع إلى أهله» ۱۰۱.

۲۶-۲. پیشنهاد زهیر بن قین به امام حسین (ع) برای فرود آمدن در روستای «عقر» و خودداری آن حضرت از این کار؛ «فقال زهیر بن القین للحسین... سربنا إلى هذه القرية... فقال الحسین: ماهی؟ قال: العقر. قال: اللهم، إني أعودبک من العقر...» ۱۰۲.

۲۷-۲. پیشینه عمر بن سعد و سپاهش که برای نبرد با امام حسین (ع) آمدند، پافشاری های یهوده او برای رسیدن به حکومت ری از یک سو و شانه خالی کردن از آمدن به جنگ آن حضرت از

۱۲-۲. نام سرکردگان بخش های مختلف سپاهیان کوفی که با مسلم بن عقیل بیعت کرده بودند؛ «فقد مسلم لعبدالله بن عزیر الکندي علی ربع کنده... وعقد لمسلم بن عوسجة الأسدي... وعقد لأبي ثمامة الصائدي... وعقد لعبّاس بن جعدة الجدلي...» ۸۸.

۱۳-۲. وفای محمد بن اشعث به درخواست مسلم بن عقیل برای فرستادن پیکی به سوی امام حسین (ع) و اعلان بی وفایی کوفیان و رسیدن این فرستاده به آن حضرت در منزلگاه «زیاله»؛ «فقال له ابن الأشعث: واللّه، لأفعلن، ثم کتب بما قال مسلم إلى الحسین، فلقیه الرسول بزبالة، فأخبره» ۸۹.

۱۴-۲. سرزنش محمد بن اشعث از سوی مسلم بن عقیل به خاطر وفادار نماندنش به امانی که به او داده بود؛ «فقال مسلم لابن الأشعث: واللّه، لولا أمانک لما استسلمت، قم بسيفک دوني، قد أخفرت ذمتک» ۹۰.

۱۵-۲. گفت و گوی عبدالله بن زیاد با کشنده مسلم بن عقیل پس از اجرای حکم اعدام آن جناب؛ «فلما نزل بکیر قال له ابن زیاد: ما کان یقول وأنتم تصعدون به؟ قال: کان یسبح، ویستغفر...» ۹۱.

۱۶-۲. پایان کار کشنده هانی بن عروه؛ «فبصر به عبدالرحمن ابن الحصین المرادي بعد ذلك... فقتله» ۹۲.

۱۷-۲. نام برخی از کسانی که همراه مسلم بن عقیل در کوفه قیام کردند؛ «کان فیمن خرج معه المختار بن ابي عبید و...» ۹۳.

۱۸-۲. نام برخی از کسانی که علیه مسلم بن عقیل در کوفه جنگیدند؛ «کان فیمن قاتل مسلماً محمد بن الأشعث و...» ۹۴.

۱۹-۲. اظهار نظر و گفت و گوی خیرخواهانه عمر بن عبدالرحمن ابن حارث بن هشام با امام حسین (ع) در آستانه حرکت آن حضرت از مکه به سوی کوفه؛ «لما أراد الحسین المسیر إلى الکوفة... أتاه عمر بن عبدالرحمن بن الحارث بن هشام... وهو بمکة... فقال له: إني أتيتک لحاجة أريد ذکرها نصيحة لک...» ۹۵.

۲۰-۲. سخنان عبدالله بن عباس با امام حسین (ع) هنگام حرکت آن حضرت از مکه به سوی کوفه؛ «آناه عبدالله بن عباس، فقال له: قد أرفج الناس أنك سائر إلى العراق...» ۹۶.

۲۱-۲. سخنان عبدالله بن زبیر با امام حسین (ع) هنگام حرکت آن حضرت از مکه به سوی کوفه؛ «آناه ابن الزبیر، فحدثه ساعة، ثم قال...» ۹۷.

۲۲-۲. دیدار دوباره عبدالله بن عباس با امام حسین (ع) در

- ۸۸. همان، ص ۳۰.
- ۸۹. همان، ص ۳۳.
- ۹۰. همان، ص ۳۵.
- ۹۱. همان.
- ۹۲. همان، ص ۳۶.
- ۹۳. همان.
- ۹۴. همان.
- ۹۵. همان، ص ۳۷.
- ۹۶. همان.
- ۹۷. همان، ص ۳۸.
- ۹۸. همان.
- ۹۹. همان، ص ۴۸.
- ۱۰۰. همان، ص ۴۹.
- ۱۰۱. همان، ص ۵۰.
- ۱۰۲. همان، ص ۵۲.

سوی دیگر، رایزنی هایش با اطرافیان و نهی آنها از این که به نینوا برود و سرانجام، آمدن ناخرسندانه اش به این منطقه؛ «فلماً کان الغد قدم علیهم عمر بن سعد بن ابی وقاص من الکوفة فی أربعة آلاف ... أن عبیدالله بن زیاد کان قد بعثه علی أربعة آلاف إلى دستی ... وکتب له عهده علی الری، فعسکر بالناس فی حمّام أعین ... دعا ابن زیاد عمر بن سعد، وقال له: سر إلى الحسین ... فاستشار نصحاءه، فکلّمهم نهاره ... فأقبل فی ذلك الجیش حتّی نزل بالحسین ...» ۱۰۳.

۲-۲۸. دست یابی قهرآمیز امام حسین(ع) به آب و نقش عبّاس ابن علی(ع) در این رخداد؛ «فلماً اشتدّ العطش علی الحسین وأصحابه أمر أخاه العبّاس بن علی، فسار ...» ۱۰۴.

۲-۲۹. نام فرستاده امام حسین(ع) نزد عمر بن سعد برای دیداری دوجانبه با یکدیگر؛ «بعث الحسین إلى عمر بن سعد عمرو بن قرظة بن کعب الأنصاری أن التقی اللیلة ...» ۱۰۵.

۲-۳۰. شایعاتی که پس از نخستین دیدار امام حسین(ع) با عمر بن سعد در گرفت، تعداد این ملاقات ها و تکذیب آن شایعات از زبان عقبه بن سمرعان؛ «تحدّث الناس أن الحسین قال لعمر ابن سعد: اخرج معی ... وقد روی عن عقبه بن سمرعان أنه قال ... فولّله، ما أعطاهم ما یتذاکر الناس ... ثم التقی الحسین و عمر بن سعد مراراً ثلاثاً أو أربعاً» ۱۰۶.

۲-۳۱. نام کسی که در آستانه حرکت شمر از نزد ابن زیاد به سوی نینوا، پیش او بود و برای عبّاس بن علی(ع) و برادرانش امان نامه گرفت؛ «فلماً أخذ شمر الکتاب کان معه عبیدالله ابن ابی المحلّ بن حزام عند ابن زیاد ... فقال لابن زیاد: إن رأیت أن تکتب لبني أختنا أماناً فافعل ...» ۱۰۷.

۲-۳۲. سخنان عبّاس بن علی(ع) که پس از گفت و گو با امام حسین(ع) و رساندن درخواست کوفیان به آن حضرت، پیام آن جناب را به سپاه کوفه رساند؛ «فرجع إليهم العبّاس، وقال لهم: انصرفوا عنا العشيّة حتّی ننظر فی هذا الأمر ...» ۱۰۸.

۲-۳۳. رایزنی عمر بن سعد با شمر بن ذی الجوشن و سپاهیان کوفه درباره پذیرفتن یا نپذیرفتن مهلت خواهی یک شبه امام حسین(ع) و گفت و گوهای در گرفته در این باره؛ «فقال عمر بن سعد: ما تری یا شمر؟ قال: أنت الأمير ... فقال: لو أعلم أن يفعلوا ... ثم رجع عنهم» ۱۰۹.

۲-۳۴. پیشنهاد امام حسین(ع) به یارانش در شب عاشورا که در تاریکی شب، جان به در ببرند و هر یک همراه خود، یکی از خویشاوندان آن حضرت را نیز ببرند، چرا که کوفیان تنها او را

می خواهند و با دست یابی به او، از طلب و تعقیب دیگران، دست برمی دارند؛ «فجمع الحسین أصحابه ... فقال ... إني قد أذنت لكم جميعاً، فانطلقوا ... ولأخذ كل رجل منكم بيد رجل من أهل بيتي ... فإن القوم يطلبونني، ولو أصابوني لهوا عن طلب غيري» ۱۱۰.

۲-۳۵. افزاشه شدن خیمه ای برای امام حسین(ع) در روز عاشورا تا آن حضرت خود را نظیف و آماده شهادت کند و شوخی های همزمان بریر بن خضیر همدانی با عبدالرحمن بن عبدربه و نشاطش برای شهادت؛ «فلماً دنوا من الحسین أمر، فضرب له فسطاط ... ثم دخل الحسین، فاستعمل النورة ... فجعل بریر يهازل عبدالرحمن ... فقال بریر ... لكنني مستبشر بما نحن لاقون ...» ۱۱۱.

۲-۳۶. قرار دادن امام حسین(ع) قرآنی را در برابر خود، پس از آن که در آستانه افروخته شدن تنور درگیری های روز عاشورا، بر اسب خود سوار شدند؛ «ثم ركب الحسین دابته، ودعا بمصحف، فوضعه أمامه» ۱۱۲.

۲-۳۷. واکنش خواهران امام حسین(ع) پس از شنیدن چند فراز از سخنان آن حضرت در نخستین سخنرانی اش در روز عاشورا و اقدام آن جناب برای خاموش کردن آنها و ادامه دادن به سخنان خود؛ «فلماً سمع أخواته قوله بکین و ... فأرسل إليهن أخاه العبّاس وابنه علياً، ليسكتاهن ...» ۱۱۳.

۲-۳۸. بلاغت و شیوایی بی مانند نخستین سخنرانی امام

۱۰۳. همان.

۱۰۴. همان، ص ۵۴.

۱۰۵. همان.

۱۰۶. همان.

۱۰۷. همان، ص ۵۶.

۱۰۸. همان، ص ۵۷.

۱۰۹. همان.

۱۱۰. همان.

۱۱۱. همان، ص ۶۰.

۱۱۲. همان.

۱۱۳. همان، ص ۶۱.

یزید بن معقل حلیف عبدالقیس، فقال: یا بریر بن خضیر، کیف تری الله صنع بک؟ قال: والله... وأقبل إليه كعب بن جابر، فضربه بسيفه حتى قتله. ۱۲۱

۲-۴۶. نبرد عمرو بن قرظۀ انصاری و شهادتش در برابر امام حسین(ع) و نیز همراهی برادرش با کوفیان و زخمی شدنش به دست نافع بن هلال؛ «خرج عمرو بن قرظۀ الأنصاري، و قاتل دون الحسين، فقتل، وكان أخوه مع عمر بن سعد... واعترضه نافع بن هلال المرادي، فطعنه، فصرعه...». ۱۲۲

۲-۴۷. واکنش امام حسین(ع) به سخنان عمرو بن حجّاج که آن حضرت و یارانش را از «مارقین» دانسته بود؛ «سمعه الحسين، فقال: یا عمرو بن الحجّاج، أعليّ تحرّض الناس؟ أنحن مرقنا من الدين...». ۱۲۳

۲-۴۸. وصیت مسلم بن عوسجه به حبیب بن مظاهر هنگامی که در آخرین لحظه های زندگی، بر بالین او آمد؛ «دنا منه حبیب ابن مطهر، وقال: عزّ عليّ مصرعک... فقال: أوصیک بهذا -رحمک الله- وأوماً بيده نحو الحسين...». ۱۲۴

۲-۴۹. واکنش شیبث بن ربیع پس از شهادت مسلم بن عوسجه؛ «فقال شیبث لبعض من حوله: ثكلتکم أمهاتکم!...». ۱۲۵

۲-۵۰. نام کشتندگان مسلم بن عوسجه؛ «كان الذي قتله مسلم بن عبدالله الضبابي و...». ۱۲۶

۲-۵۱. شهادت عبدالله بن عمیر کلبی، شمار کشتگان کوفی به دست او و نام کشتندگان؛ «فقتل الكلبی وقد قتل رجلین بعد الرجلین الأوّلین... فقتله هانی بن ثبیت الحضرمی و...». ۱۲۷

۲-۵۲. ناخشنودی شیبث بن ربیع از نبرد با امام حسین(ع) و سخنان سرزنش بارش در سال های چیرگی مصعب بن زبیر بر

حسین(ع) در برابر کوفیان در روز عاشورا؛ «فلما سکتن حمدالله، وأثنی علیه... وقال ما لا یحصی کثرة، فما سمع أبلغ منه». ۱۱۴

۲-۳۹. انکار نوشتن دعوت نامه ای برای امام حسین(ع) از سوی مخاطبان کوفی آن حضرت در روز عاشورا و واکنش آن جناب؛ «فنادی: یا شیبث بن ربیع! ویا... ألم تکتبوا لی فی القدوم علیکم؟ قالوا: لم نفعل، ثمّ قال: بلی فعلتم». ۱۱۵

۲-۴۰. سرزنش قیس بن اشعث از سوی امام حسین(ع) به خاطر برادری اش با محمد بن اشعث؛ کسی که نخست به مسلم ابن عقیل امان داد و سپس به آن وفا نکرد؛ «فقال له قیس بن الأشعث: أو لا تنزل علی حکم ابن عمک... فقال له الحسين: أنت أخو أخیک. أتريد أن یطلبک بنو هاشم بأکثر من دم مسلم بن عقیل؟ لا والله...». ۱۱۶

۲-۴۱. رویارویی زهیر بن قین با کوفیان در روز عاشورا و سخن گفتن با آنها و واکنش آنان؛ «خرج زهیر بن القین علی فرس له فی السلاح، فقال: یا أهل الکوفة... فسبّوه، وأثنوا علی ابن زیاد...». ۱۱۷

۲-۴۲. سرزنش کوفیان از سوی حر بن یزید ریاحی به خاطر نپذیرفتن یکی از پیشنهاد های امام حسین(ع) و پاسخ عمر بن سعد به او؛ «تقدّم الحرّ امام أصحابه، ثمّ قال: أيها القوم، ألا تقبلون من الحسين خصلة من هذه الخصال... فقال عمر: لقد حرصت...». ۱۱۸

۲-۴۳. دخالت همسر عبدالله بن عمیر کلبی، هنگام نبرد شوهرش با کوفیان و واکنش عبدالله و امام حسین(ع) به این کار او؛ «مال علیه الکلبی، فضربه حتی قتله، وأخذت امرأته عموداً... فردّها نحو النساء... فناداها الحسين، فقال: جزیتم من أهل بیت خیراً أارجعی...». ۱۱۹

۲-۴۴. پشیمان شدن مسروق بن وائل حضرمی از شرکت در نبرد با امام حسین(ع) پس از مشاهده گرفتار شدن عبدالله ابن حوزۀ به پی آمده های نفرین آن حضرت در حق او و کناره گیری از نبرد؛ «كان مسروق بن وائل الحضرمی قد خرج معهم... فلما رأى ما صنع الله بابلن حوزة بدعاء الحسين رجع...». ۱۲۰

۲-۴۵. چگونگی مبارزات و شهادت بریر بن خضیر؛ «خرج

- ۱۱۴. همان.
- ۱۱۵. همان، ص ۶۲.
- ۱۱۶. همان.
- ۱۱۷. همان، ص ۶۳.
- ۱۱۸. همان، ص ۶۴.
- ۱۱۹. همان، ص ۶۵.
- ۱۲۰. همان، ص ۶۶.
- ۱۲۱. همان.
- ۱۲۲. همان، ص ۶۷.
- ۱۲۳. همان.
- ۱۲۴. همان، ص ۶۸.
- ۱۲۵. همان.
- ۱۲۶. همان.
- ۱۲۷. همان.

عراق دربارۀ جنگیدن با آن حضرت؛ «لم یزالوا یرون من شبت الکراهة للقتال حتیٰ إنه کان یقول فی إمارة مصعب: لا یعطي الله أهل هذا المصر خیراً أبداً... ضلال یا لک من ضلال!». ۱۲۸

۲-۵۳. اقدام عمر بن سعد برای محاصره یاران امام حسین (ع) که در اطراف خیمه ها سنگر گرفته بودند و ایستادگی سه یا چهار نفره آنان و از پای درآوردن کوفیان و آتش زدن خیمه ها از سوی مهاجمان و واکنش آن حضرت به این کار؛ «فلما رأى ذلك عمر أرسل رجلاً... لیحیطوا بهم، فكان النفر من أصحاب الحسین الثلاثة والأربعة يتخللون البيوت، فيقتلون الرجل... فأمر عمر بن سعد، فأحرق، فقال لهم الحسین: دعوهم، فلیحرقوها...». ۱۲۹

۲-۵۴. شهادت أم وهب، همسر عبدالله بن عمیر کلبی که بر بالین شوهرش حاضر شده بود؛ «خرجت امرأة الکلبی، فجلست عند رأسه... فأمر شمر غلاماً اسمه رستم، فضرب رأسها بالعمود، فماتت مکانها». ۱۳۰

۲-۵۵. اقدام شمر به سوزاندن خیمه امام حسین (ع) بر سر اعضای خانواده آن حضرت، و واکنش آن جناب و نیز حمید بن مسلم و شبت بن ربیع به این کار و خودداری شمر از آنچه می خواست بکند؛ «حمل شمر حتی بلغ فسطاط الحسین، ونادی: علی بالنار... وصاح به الحسین... فقال حمید بن مسلم... فجاءه شبت بن ربیع، فنهاه، فانتهی». ۱۳۱

۲-۵۶. نام یکی از کوفیان مهاجم از سپاه شمر که به دست زهیر بن قین و یارانش پس از تعرض آنان به خیمه امام حسین (ع) از پا درآمد؛ «فحمل علیه زهیر بن القین فی عشرة، فکشفهم عن البيوت، وقتلوا أبا عزة الضبابی، وكان من أصحاب شمر». ۱۳۲

۲-۵۷. چگونگی شهادت حبیب بن مظاهر، پایان کار کشته شده اش و واکنش امام حسین (ع) به شهادت او؛ «فضربه الحصین علی رأسه بالسيف، فوقع، ونزل إليه التیمی، فاحتز رأسه... فبصر به القاسم ابن حبیب... ودخل القاسم عسکره، فإذا فیہ قاتل أیبه فی فسطاطه... فقتله، فلما قتل حبیب هد ذلك الحسین، وقال عند ذلك...». ۱۳۳

۲-۵۸. هماهنگی و همیاری حر بن یزید ریاحی و زهیر بن قین هنگام نبرد با کوفیان در روز عاشورا؛ «حمل الحرّ و زهیر بن القین... وكان إذا حمل أحدهما، وغاص فیهم حمل الآخر حتی یخلّصه». ۱۳۴

۲-۵۹. از پا درآوردن ابو ثمامه صائدی، پسر عموی خود را که در سپاه کوفیان بود؛ «قتل أبو ثمامة الصائدي ابن عم له...». ۱۳۵

۲-۶۰. سپر بلا شدن یاران امام حسین (ع) در برابر آن حضرت پس از آن که کوفیان با تنگ تر کردن حلقه محاصره، خود را به آن

جناب نزدیک و تیربارانش کردند؛ «وصل إلى الحسین، فاستقدم الحنفي أمامه، فاستهدف لهم یرمونه بالنبل و هو بین یدیه حتی سقط». ۱۳۶

۲-۶۱. پایان کار و شهادت زهیر بن قین و نام کشندگانش؛ «قاتل زهیر بن القین قتلاً شديداً، فحمل علیه کثیر بن عبیدالله الشعبيّ و مهاجر بن أوس، فقتلاه». ۱۳۷

۲-۶۲. شمار کشتگان کوفی به دست نافع بن هلال و چگونگی تیراندازی، اسارت و شهادتش به دست شمر بن ذی الجوشن؛ «کان نافع بن هلال الجمليّ قد کتب اسمه علی أفواق نبهه... فقتل بها اثني عشر رجلاً سوی من جرح، فضرب... وأخذ أسيراً... فقتله شمر». ۱۳۸

۲-۶۳. سخن گفتن حنظله بن اسعد شبامی با کوفیان و واکنش امام حسین (ع) به سخنانش؛ «جاء حنظلة بن أسعد الشبامی، فوقف بین یدی الحسین، وجعل ینادی... فقال له الحسین: رحمک الله! إنهم قد استوجبوا العذاب...». ۱۳۹

۲-۶۴. رقابت یاران امام حسین (ع) برای شهادت در برابر آن حضرت، شهادت عبدالله بن عزوده، عبدالرحمن بن عزوده، سیف بن حارث بن سریع، مالک بن عبد بن سریع، ابو الشعثاء کندی (یزید بن ابی زیاد)، عمرو بن خالد صیداوی، جبار بن حارث سلمانی، سعد (برده عمرو بن خالد)، مجمع بن عبیدالله عاتذی و سوید بن ابی المطاع و نیز چگونگی جان به در بردن یکی از یاران

۱۲۸. همان.

۱۲۹. همان، ص ۶۹.

۱۳۰. همان.

۱۳۱. همان.

۱۳۲. همان، ص ۷۰.

۱۳۳. همان.

۱۳۴. همان، ص ۷۱.

۱۳۵. همان.

۱۳۶. همان.

۱۳۷. همان.

۱۳۸. همان.

۱۳۹. همان، ص ۷۲.

اللّه عليه الظماً، فجعل لا يروى ...» ۱۴۶

۲-۷۱. نام حدود آده نفری که به سرکردگی شمر، میان امام حسین (ع) و خانواده اش فاصله انداختند و فراخواندن آن حضرت آنان را به آزاد مرد بودن و کاری به زنان و خردسالان نداشتن پذیرفته شدن این درخواست از سوی کوفیان؛ «ثم إن شمر ابن ذی الجوشن أقبل في نفر نحو عشرة من رجالهم نحو منزل الحسين، فحالوا بينه وبين رحله، فقال لهم الحسين: ويلكم! ... فكونوا أحراراً ذوي أحساب، امنعوا رحلي ... فقالوا: ذلك لك ... وأقدم عليه شمر بالرجال منهم أبو الجنب - واسمه عبدالرحمن الجعفي - و...» ۱۴۷

۲-۷۲. آخرین سخنان امام حسین (ع) خطاب به کوفیان؛ «كان على الحسين جبة من خز... وقاتل رجلاً... ويشد على الخيل وهو يقول: أعلى قلتي تجتمعون؟ أما والله...» ۱۴۸

۳. کوتاهی و بلندی فرازهای مشترک در گزارش های ارشاد و کامل: ۳-۱. اطناب کامل ۱۴۹ در گزارش موضعگیری عبداللّه ابن زبیر در برابر فراخوان فرماندار مدینه به بیعت با یزید و ایجاز گزارش ارشاد ۱۵۰ در این باره.

۳-۳. اشاره به متن نامه شبت بن ربیع، حجار بن ابجر و دیگران به امام حسین (ع) در ارشاد ۱۵۱ و بسنده کردن کامل ۱۵۲ به اصل نامه نگاری و یادآوری نام نویسندگان آنها.

۳-۳. اشاره کامل ۱۵۳ به دو روایت از واکنش ابن زیاد نسبت به وصیت مسلم بن عقیل درباره به خاک سپردن پیکرش پس از به شهادت رسیدن و گزارش ارشاد ۱۵۴ از تنها یکی از آنها.

۳-۴. بسنده کردن ارشاد ۱۵۵ به ذکر نام شاعری که درباره شهادت

آن حضرت به نام ضحاک بن عبداللّه مشرفی؛ «فلما رأوا أنهم قد كثروا... تنافسوا أن يقتلوا بين يديه، فجاء عبداللّه و عبدالرحمن ابنا عزودة... وأتاه الفتيان الجابريان و هما سيف بن الحارث ابن سريع و مالك بن عبد بن سريع... وقاتلا حتى قتلا... وجاء الضحاک بن عبداللّه المشرفي إلى الحسين... وجثا أبو الشعثاء الكندي - وهو يزيد بن أبي زياد - بين يدي الحسين... وكان أول من قتل، وأما الصيدائي عمرو بن خالد و جبار بن الحارث السلماني وسعد مولى عمرو بن خالد و مجمع بن عبداللّه العائذي... فقاتلوا، فقتلوا... وكان آخر من بقي من أصحاب الحسين سويد ابن أبي المطاع الخثعمي» ۱۴۰

۲-۶۵. چگونگی شهادت عابس بن ابی شبيب شاکری؛ «جاء عابس بن أبي شبيب الشاكري... فطلب البراز، فتحاماه الناس لشجاعته، فقال لهم عمر: ارموه بالحجارة... ثم رجعوا عليه، فقتلوه...» ۱۴۱

۲-۶۶. شهادت جعفر بن عقیل و نام کشنده اش؛ «رمي عبداللّه بن عروة الخثعمي جعفر بن عقیل، فقتله» ۱۴۲

۲-۶۷. پایان کار مردی از قبیله کنده در سپاه کوفیان که با شمشیر بر سر امام حسین (ع) ضربتی زد و آن حضرت را زخمی کرد؛ «ثم إن رجلاً من كنده... أتاه، فضربه على رأسه بالسيف... فقال له الحسين: لا أكلت بها... فلم يزل ذلك الرجل فقيراً بشراً حتى مات» ۱۴۳

۲-۶۸. شهادت محمد بن علی بن ابی طالب و نام قبیله کشنده اش؛ «رمي رجل من بني أبان أيضاً محمد بن علي ابن أبي طالب، فقتله» ۱۴۴

۲-۶۹. کشته شدن پسر بچه ای که در آستانه خیمه اش ایستاده بود، به دست هانی بن ثبیت؛ «خرج غلام من خباء تلك الأخبية... فحمل عليه رجل قیل: إنه هانی بن ثبیت الحضرمي، فقتله» ۱۴۵

۲-۷۰. پایان کار مردی دارمی که تیری را به سوی امام حسین (ع) افکند و بر دهان آن حضرت نشاند؛ «قیل: الذي رماه رجل من بني أبان بن دارم، فمكث ذلك الرجل يسيراً، ثم صبّ

۱۴۰. همان، ص ۷۲-۷۴.

۱۴۱. همان، ص ۷۳.

۱۴۲. همان، ص ۷۵.

۱۴۳. همان.

۱۴۴. همان، ص ۷۶.

۱۴۵. همان.

۱۴۶. همان.

۱۴۷. همان.

۱۴۸. همان، ص ۷۸.

۱۴۹. همان، ص ۱۶.

۱۵۰. شیخ مفید، پیشین، ص ۳۴.

۱۵۱. همان، ص ۳۸.

۱۵۲. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۲۰.

۱۵۳. همان، ص ۳۴.

۱۵۴. شیخ مفید، پیشین، ص ۶۱.

۱۵۵. همان، ص ۶۴.

مسلم بن عقیل و هانی بن عروه اشعاری سرود و اشاره کامل ۱۵۶ به احتمال دوم درباره نام وی.

۳-۵. بسنده کردن کامل ۱۵۷ به گزارش دو بیت از شعری که در رثای مسلم بن عقیل و هانی بن عروه سروده شد و اشاره ارشاد ۱۵۸ به هشت بیت آن.

۳-۶. بیان تنها یک تاریخ برای روز قیام مسلم بن عقیل در ارشاد ۱۵۹ و اشاره کامل ۱۶۰ به دو مین احتمال در این باره.

۳-۷. اشاره کوتاه تر کامل ۱۶۱ به تاریخ خروج امام حسین (ع) از مکه به سوی کوفه نسبت به گزارش ارشاد ۱۶۲ در همین باره.

۳-۸. گزارش بلندتر و دقیق تر ارشاد ۱۶۳ از دیدار امام حسین (ع) با فرزدق نسبت به گزارش کامل ۱۶۴ در این باره.

۳-۹. بسنده کردن کامل ۱۶۵ به ذکر نام نامه رسان امام حسین (ع) که از منزلگاه «حاجر» به سوی کوفه روانه شد و اشاره ارشاد ۱۶۶ به احتمال دوم درباره نام او.

۳-۱۰. اشاره ارشاد ۱۶۷ به متن و الفاظ و نیز انگیزه نگارش نامه یاد شده و بسنده کردن کامل ۱۶۸ به نقل مضمون آن.

۳-۱۱. اشاره کامل ۱۶۹ به ذکر احتمال دوم درباره کشنده قیس ابن مسهر یا عبدالله بن یقطر و بسنده کردن ارشاد ۱۷۰ به ذکر نام مشهور او.

۳-۱۲. اشاره ارشاد ۱۷۱ تنها به یک نسب حرب بن یزید و اشاره کامل ۱۷۲ به دو نسب او.

۳-۱۳. گزارش کوتاه تر کامل ۱۷۳ از آب دادن امام حسین (ع) به همراهان حرب بن یزید، نسبت به گزارش ارشاد ۱۷۴ در همین باره.

۳-۱۴. اشاره ارشاد ۱۷۵ تنها به نام منزلگاه «عذیب الهجانان» و گزارش کامل ۱۷۶ از وجه تسمیه این مکان.

۳-۱۵. اشاره گذرای کامل ۱۷۷ به متن نامه عمر بن سعد به ابن زیاد پس از نخستین دیدارشان با امام حسین (ع) و گزارش ارشاد ۱۷۸ از متن و الفاظ آن.

۳-۱۶. گزارش ارشاد ۱۷۹ از دو احتمال درباره متن و الفاظ نامه ابن زیاد به عمر بن سعد پس از خواندن نخستین نامه عمر به او و اشاره کامل ۱۸۰ تنها به مضمون یکی از آنها.

۳-۱۷. اشاره کامل ۱۸۱ به نام سه برادر عباس بن علی (ع) و گزارش ارشاد ۱۸۲ از نام دو تن از آنها.

۳-۱۸. گزارش ارشاد ۱۸۳ از نام دو تن از همراهان بیست نفره عباس بن علی (ع) هنگام رفتنش به سوی کوفیان در آغاز شب عاشورا و اشاره کامل ۱۸۴ تنها به نام یکی از آنها.

۳-۱۹. گزارش کامل ۱۸۵ از دو دلیل برای مهلت خواهی امام

حسین (ع) در شب عاشورا و بسنده کردن ارشاد ۱۸۶ به ذکر تنها یکی از آنها.

۳-۲۰. گزارش ارشاد ۱۸۷ از نام راوی گفت و گوهای امام حسین (ع) با همراهان خود در شب عاشورا و بسنده کردن کامل ۱۸۸

۱۵۶. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۳۶.
 ۱۵۷. همان.
 ۱۵۸. شیخ مفید، پیشین.
 ۱۵۹. همان، ص ۶۶.
 ۱۶۰. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۱۶۱. همان، ص ۳۹.
 ۱۶۲. شیخ مفید، پیشین.
 ۱۶۳. همان، ص ۶۷.
 ۱۶۴. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۴۰.
 ۱۶۵. همان، ص ۴۱.
 ۱۶۶. شیخ مفید، پیشین، ص ۷۰.
 ۱۶۷. همان.
 ۱۶۸. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۱۶۹. همان، ص ۴۳.
 ۱۷۰. شیخ مفید، پیشین، ص ۷۱.
 ۱۷۱. همان، ص ۷۸.
 ۱۷۲. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۴۶.
 ۱۷۳. همان.
 ۱۷۴. شیخ مفید، پیشین.
 ۱۷۵. همان، ص ۸۱.
 ۱۷۶. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۴۹.
 ۱۷۷. همان، ص ۵۳.
 ۱۷۸. شیخ مفید، پیشین، ص ۸۶.
 ۱۷۹. همان.
 ۱۸۰. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۱۸۱. همان، ص ۵۶.
 ۱۸۲. شیخ مفید، پیشین، ص ۸۹.
 ۱۸۳. همان، ص ۹۰.
 ۱۸۴. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۱۸۵. همان، ص ۵۷.
 ۱۸۶. شیخ مفید، پیشین، ص ۹۱.
 ۱۸۷. همان.
 ۱۸۸. ابن اثیر جزری، پیشین.

۳-۳۳. اشاره کوتاه کامل^{۲۱۳} به شهادت عبدالله بن حسن ابن علی(ع) بدون نام بردن از او و گزارش مفصل تر ارشاد^{۲۱۴} در این باره، افزون بر نام بردن از او.

۳-۳۴. بسنده کردن ارشاد^{۲۱۵} به گزارش سکوت عمر ابن سعد پس از اعتراض حضرت زینب(س) به او و اشاره کامل^{۲۱۶} به اشک آلود شدن چشم های عمر، افزون بر خاموش ماندنش.

به تنها نقل سخنان آن حضرت.

۴. ناهمخوانی های گزارش های ارشاد و کامل:

۴-۱. نام یکی از یاران نامدار امام حسین(ع) در همه جای کامل^{۲۱۷}، «حبيب بن مُطَهَّر» و در همه جای ارشاد^{۲۱۸}، «حبيب ابن مُطاهر».

۴-۲. نام یکی از نامه نگاران کوفی به امام حسین(ع) در ارشاد^{۲۱۹}

۳-۲۱. گزارش کامل^{۱۸۹} از نیمی از سخنان مسلم بن عوسجه، در شب عاشورا و نقل کامل آنها در ارشاد^{۱۹۰}.

۳-۲۲. گزارش ارشاد^{۱۹۱} از سخنان زهیر بن قین در شب عاشورا و اشاره کلی کامل^{۱۹۲} به این مطلب.

۳-۲۳. گزارش کامل^{۱۹۳} از واکنش حضرت زینب(س) پس از شنیدن اشعاری که امام حسین(ع) آنها را در شب عاشورا خواندند، بدون ذکر نام راوی و اشاره ارشاد^{۱۹۴} به این مطلب همراه درج نام او.

۳-۲۴. اشاره ارشاد^{۱۹۵} به نام برخی سرکردگان سپاه کوفه و گزارش کامل^{۱۹۶} از نام افرادی افزون بر آنان.

۳-۲۵. گزارش کامل^{۱۹۷} از نسب برخی سرکردگان سپاه کوفه و بسنده کردن ارشاد^{۱۹۸} تنها به ذکر نام آنها.

۳-۲۶. گزارش ارشاد^{۱۹۹} از نسب سه تن از پنج صحابی ای که امام حسین(ع) نام آنها را بر زبان آورد و نیز درج نام پدر ائس و بسنده کردن کامل^{۲۰۰} تنها به ذکر نام آنان.

۳-۲۷. گزارش کامل^{۲۰۱} از نسب عبدالله بن عمیر و بسنده کردن ارشاد^{۲۰۲} به تنها ذکر نام او.

۳-۲۸. اشاره ارشاد^{۲۰۳} به نام بردن یسار از دو تن از یاران امام حسین(ع) برای نبرد تن به تن و گزارش کامل^{۲۰۴} از نام سه تن از آنان.

۳-۲۹. بسنده کردن کامل^{۲۰۵} به تنها نام پدر یکی از کوفیان به نام «ابن حوزة» و گزارش ارشاد^{۲۰۶} از نام خود او و نیز نسبش افزون بر نام پدرش.

۳-۳۰. اشاره گذرای ارشاد^{۲۰۷} به نماز امام حسین(ع) در روز عاشورا و گزارش مفصل تر کامل^{۲۰۸} در این باره.

۳-۳۱. اشاره کامل^{۲۰۹} به سه مصرع و گزارش ارشاد^{۲۱۰} از پنج مصرع رجزی که علی بن الحسین(ع) هنگام حمله به سوی کوفیان خواند.

۳-۳۲. گزارش مفصل ارشاد^{۲۱۱} از چگونگی شهادت قاسم ابن الحسن(ع) و نقل کوتاه کامل^{۲۱۲} در این باره.

۱۸۹. همان، ص ۵۸.
 ۱۹۰. شیخ مفید، پیشین، ص ۹۲.
 ۱۹۱. همان.
 ۱۹۲. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۱۹۳. همان.
 ۱۹۴. شیخ مفید، پیشین، ص ۹۳.
 ۱۹۵. همان، ص ۹۵.
 ۱۹۶. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۶۰.
 ۱۹۷. همان.
 ۱۹۸. شیخ مفید، پیشین.
 ۱۹۹. همان، ص ۹۷.
 ۲۰۰. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۶۲.
 ۲۰۱. همان، ص ۶۵.
 ۲۰۲. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۰۱.
 ۲۰۳. همان.
 ۲۰۴. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۲۰۵. همان، ص ۶۶.
 ۲۰۶. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۰۲.
 ۲۰۷. همان، ص ۱۰۵.
 ۲۰۸. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۷۰.
 ۲۰۹. همان، ص ۷۴.
 ۲۱۰. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۰۶.
 ۲۱۱. همان، ص ۱۰۷.
 ۲۱۲. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۷۵.
 ۲۱۳. همان، ص ۷۷.
 ۲۱۴. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۱۰.
 ۲۱۵. همان، ص ۱۱۲.
 ۲۱۶. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۷۸.
 ۲۱۷. همان، ص ۲۰، ۵۹، ۶۲، ۶۵ و ۶۸.
 ۲۱۸. شیخ مفید، پیشین، ص ۲۷، ۹۵، ۹۸، ۱۰۱ و ۱۰۳.
 ۲۱۹. همان، ص ۳۸.

«محمد بن عمرو تیمی» و در کامل، ۲۲۰ «محمد بن عمیر تیمی» .
 ۴-۳ . نام جد فرد معترض به سخنان نعمان بن بشیر در
 کامل، ۲۲۱ «سعید» و در ارشاد، ۲۲۲ «ربیع» .

۴-۴ . نام دو تن از نامه نگاران ساکن کوفه به یزید برای آگاه
 کردنش از اوضاع شهر و سستی نعمان بن بشیر در ارشاد، ۲۲۳
 «عمارة بن عقبه» و «عمر بن سعد بن ابی وقاص» و در کامل، ۲۲۴
 «عمارة بن ولید بن عقبه» و «عمرو بن سعد بن ابی وقاص» .

۴-۵ . مریض بودن هانی بن عروه در کامل ۲۲۵ و تمارضش
 در ارشاد، ۲۲۶

۴-۶ . تفاوت گزارش های ارشاد ۲۲۷ و کامل ۲۲۸ درباره
 سبب ضرب و شتمی که ابن زیاد در حق هانی بن عروه روا داشت .

۴-۷ . آگاه شدن ابن زیاد از مخفیگاه مسلم بن عقیل توسط
 محمد بن اشعث در کامل ۲۲۹ و حدس زدنش در این باره هنگام
 گفت و گوی در گوشی عبدالرحمن بن محمد بن اشعث با پدرش
 درباره مخفیگاه یاد شده در ارشاد، ۲۳۰

۴-۸ . نام یکی از مأموران ابن زیاد برای دستگیری مسلم
 ابن عقیل و نیز کشته او در ارشاد، ۲۳۱ «بکر» و در کامل، ۲۳۲
 «بکیر» .

۴-۹ . نام مأموری که همراه هفتاد مرد قیسی به سرکردگی
 محمد بن اشعث برای دستگیری مسلم روانه شد، از دادن امان به
 او هنگام تسلیم شدنش، خودداری ورزید و گریستن او را پس از
 دستگیری، بر ترسش از مرگ حمل کرد در کامل، ۲۳۳ «عمرو
 ابن عبیدالله بن عباس» و در ارشاد، ۲۳۴ «عبیدالله بن عباس» .

۴-۱۰ . نام کسی که پس از اسارت مسلم بن عقیل و در آستانه
 بردنش نزد ابن زیاد، به او آب داد در ارشاد، ۲۳۵ «عمرو بن حرث»
 و در کامل، ۲۳۶ «عمارة بن عقبه» .

۴-۱۱ . در کامل ۲۳۷ آنچه به عنوان چگونگی شهادت قیس
 ابن مسهر در ارشاد ۲۳۸ گزارش شده، به برادر رضاعی امام حسین (ع)
 نسبت داده شده است .

۴-۱۲ . نام برادر رضاعی امام حسین (ع) در ارشاد، ۲۳۹ «عبدالله
 ابن یقطر» و در کامل، ۲۴۰ «عبدالله بن یقطر» .

۴-۱۳ . آگاه شدن یاران امام حسین (ع) از شهادت مسلم
 ابن عقیل و برادر رضاعی آن حضرت از سوی آن جناب به گزارش
 کامل ۲۴۱ و خواندن نوشته ای از سوی آن حضرت در این باره پس
 از آگاه شدن ایشان از شهادت مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و
 برادر رضاعی خود به نقل ارشاد، ۲۴۲

۴-۱۴ . نام کسی که در منزلگاه «بطن عقبه» به امام حسین (ع)

نصیحت کرد به کوفه نروند در ارشاد، ۲۴۳ «عمرو بن لوذان» و در
 کامل، ۲۴۴ «رجل من العرب» .

۴-۱۵ . سخن امام حسین (ع): «والله، لا يدعوني حتى يستخرجوا
 هذه العلقة...» در کامل ۲۴۵ - با اندکی تفاوت - مربوط به حوادث
 حضور آن حضرت در مکه دانسته شده و در ارشاد، ۲۴۶ مربوط به
 گفت و گوی آن جناب با عمرو بن لوذان در منزلگاه «بطن عقبه» .

۴-۱۶ . منکران مشاهده درخت خرما از دور دست در منزلگاه
 «شراف» به گزارش ارشاد، ۲۴۷ گروهی از همراهان امام حسین (ع)

- ۲۲۰ . ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۲۱ .
- ۲۲۱ . همان، ص ۲۲ .
- ۲۲۲ . شیخ مفید، پیشین، ص ۴۱ .
- ۲۲۳ . همان، ص ۴۲ .
- ۲۲۴ . ابن اثیر جزری، پیشین .
- ۲۲۵ . همان، ص ۲۶ .
- ۲۲۶ . شیخ مفید، پیشین، ص ۴۶ .
- ۲۲۷ . همان، ص ۴۹ .
- ۲۲۸ . ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۲۹ .
- ۲۲۹ . همان، ص ۳۲ .
- ۲۳۰ . شیخ مفید، پیشین، ص ۵۷ .
- ۲۳۱ . همان، ص ۵۸ و ۶۳ .
- ۲۳۲ . ابن اثیر جزری، پیشین و ص ۳۵ .
- ۲۳۳ . همان، ص ۳۲ و ۳۳ .
- ۲۳۴ . شیخ مفید، پیشین، ص ۵۷ و ۵۹ .
- ۲۳۵ . همان، ص ۶۰ .
- ۲۳۶ . ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۳۴ .
- ۲۳۷ . همان، ص ۴۲ .
- ۲۳۸ . شیخ مفید، پیشین، ص ۷۱ .
- ۲۳۹ . همان، ص ۷۰ و ۷۵ .
- ۲۴۰ . ابن اثیر جزری، پیشین .
- ۲۴۱ . همان، ص ۴۳ .
- ۲۴۲ . شیخ مفید، پیشین، ص ۷۵ .
- ۲۴۳ . همان، ص ۷۶ .
- ۲۴۴ . ابن اثیر جزری، پیشین .
- ۲۴۵ . همان، ص ۳۹ .
- ۲۴۶ . شیخ مفید، پیشین .
- ۲۴۷ . همان، ص ۷۷ .

ابن ذی الجوشن می گوید: «نمی فهمی چه می گویی» و به نقل
 ارشاد^{۲۷۰}: «نمی فهمی حسین چه می گوید.»

۴-۲۸. نام بردن امام حسین(ع) در ضمن نخستین خطبه اش
 با کوفیان از چندتن، از جمله: یزید بن حارث، به گزارش ارشاد^{۲۷۱}
 و به نقل کامل،^{۲۷۲} زید بن حارث.

۴-۲۹. بنابر گزارش کامل،^{۲۷۳} قیس بن اشعث از امام حسین(ع)
 می خواهد به فرمان پسرعمویش ابن زیاد گردن نهد و به نقل
 ارشاد،^{۲۷۴} به فرمان پسرعموهایش (بدون تفسیر آن).

۴-۳۰. واکنش امام حسین(ع) به پیشنهاد تسلیم شدن:
 «خود را تسلیم شما نمی کنم» به گزارش ارشاد^{۲۷۵} و به نقل کامل^{۲۷۶}:
 «خود را تسلیم آنها نمی کنم».

۴-۳۱. به گزارش کامل،^{۲۷۷} امام حسین(ع) از کوفیان می خواهد
 برای آگاهی از صدق ادعای آن حضرت یا کذب آن، از یکی از پنج

۲۴۸. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۴۶.

۲۴۹. همان.

۲۵۰. شیخ مفید، پیشین.

۲۵۱. همان.

۲۵۲. ابن اثیر جزری، پیشین.

۲۵۳. همان.

۲۵۴. شیخ مفید، پیشین، ص ۷۸، س ۱.

۲۵۵. همان، ص ۸۱.

۲۵۶. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۴۸.

۲۵۷. همان، ص ۵۲.

۲۵۸. شیخ مفید، پیشین، ص ۸۴.

۲۵۹. همان.

۲۶۰. ابن اثیر جزری، پیشین.

۲۶۱. همان، ص ۵۳.

۲۶۲. شیخ مفید، پیشین، ص ۸۷.

۲۶۳. همان.

۲۶۴. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۵۴، س ۱.

۲۶۵. همان، ص ۵۶.

۲۶۶. شیخ مفید، پیشین، ص ۹۰.

۲۶۷. همان، ص ۹۵.

۲۶۸. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۵۹.

۲۶۹. همان، ص ۶۲.

۲۷۰. شیخ مفید، پیشین، ص ۹۸.

۲۷۱. همان.

۲۷۲. ابن اثیر جزری، پیشین.

۲۷۳. همان.

۲۷۴. شیخ مفید، پیشین.

۲۷۵. همان.

۲۷۶. ابن اثیر جزری، پیشین.

۲۷۷. همان.

بودند و به نقل کامل،^{۲۴۸} دوراهنمای بنی اسدی.

۴-۱۷. به گزارش کامل،^{۲۴۹} آنچه در منزلگاه «شراف»،
 درخت خرماسا به شمار رفته بود، گردن اسب ها بود و به نقل
 ارشاد،^{۲۵۰} گوش آنها.

۴-۱۸. نام کوه نزدیک به منزلگاه «شراف» در ارشاد،^{۲۵۱}
 «ذوحسمی» و در کامل،^{۲۵۲} «ذوحسم».

۴-۱۹. شمار سپاهیان حر بن یزید ریاحی در کامل،^{۲۵۳} هزار
 نفر و در ارشاد،^{۲۵۴} حدود هزار نفر.

۴-۲۰. انحراف مسیر امام حسین(ع) به سمت چپ به گزارش
 ارشاد،^{۲۵۵} پیشنهاد حر بن یزید ریاحی بوده است و بنابر ظاهر
 نقل کامل،^{۲۵۶} انتخاب خود آن حضرت.

۴-۲۱. در گزارش کامل،^{۲۵۷} گروهی به تصمیم حر بن یزید
 ریاحی، مبنی بر فرود آمدن در همان مکان دریافت نامه ابن زیاد،
 اعتراض می کنند و به نقل ارشاد،^{۲۵۸} امام حسین(ع) شخص
 معترض است.

۴-۲۲. نام یکی از روستاهایی که امام حسین(ع) از حر بن یزید
 ریاحی می خواهد در آن فرود آیند در ارشاد،^{۲۵۹} «شِفْتَة» و در
 کامل،^{۲۶۰} «شَفِیَة».

۴-۲۳. نام یکی از پانصد سوار کوفی که میان امام حسین(ع)
 و آب فاصله انداختند در کامل،^{۲۶۱} «عبدالله بن ابی الحصین» و
 در ارشاد،^{۲۶۲} «عبدالله بن حصین».

۴-۲۴. اشاره ارشاد^{۲۶۳} به نام کسی که پایان کار عبدالله بن حصین
 را دید و گزارش کامل^{۲۶۴} از این رخداد از زبان ابومخنف.

۴-۲۵. قصد امام حسین(ع) برای رفتن به سوی سپاهیان
 کوفه که در آغاز شب عاشورا به سوی آن حضرت می آمدند و
 درخواست عباس بن علی(ع) برای این کار که از سوی آن جناب
 پذیرفته شد به گزارش کامل^{۲۶۵} و فرمان امام حسین(ع) به
 برادرش عباس که چنین کند به نقل ارشاد.^{۲۶۶}

۴-۲۶. عاشورا- به گزارش ارشاد^{۲۶۷}- روز جمعه و بنابر
 احتمالی، شنبه بوده است، برعکس نقل کامل.^{۲۶۸}
 ۴-۲۷. به گزارش کامل،^{۲۶۹} حبیب بن مظاهر به شمر

یک ملجور، یک مقلد و دو گزارش

سرزنش و خودش اقدام به این کار کرد و به نقل کامل، ۳۰۰ این دو کار از ستان بن انس نخعی سرزد.

۵. برخی ناهمخوانی‌های هریک از این دو گزارش:

- ۵-۱. نام سرکرده سواره نظام کوفه در یک جای کامل، ۳۰۱ «عروة بن قیس احمسی» و در جای دیگر، ۳۰۲ «عزرة بن قیس» (بدون ذکر نسب).
 ۵-۲. شمار سپاهیان کوفی به سرکردگی حر بن یزید ریاحی در یک جای ارشاد، ۳۰۳ حدود هزار نفر و در جای دیگر، ۳۰۴ هزار نفر.
 ۵-۳. نام پرچمدار کوفیان در یک جای ارشاد، ۳۰۵ «دُرَید» و در جای دیگر، ۳۰۶ «دُوَید».



۲۷۸. شیخ مفید، پیشین، ص ۹۷.
 ۲۷۹. همان، ص ۱۰۱.
 ۲۸۰. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۶۵.
 ۲۸۱. همان، ص ۶۶.
 ۲۸۲. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۰۲.
 ۲۸۳. همان، ص ۱۰۵.
 ۲۸۴. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۷۲.
 ۲۸۵. همان، ص ۷۴.
 ۲۸۶. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۰۷.
 ۲۸۷. همان.
 ۲۸۸. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۲۸۹. همان، ص ۷۵.
 ۲۹۰. شیخ مفید، پیشین.
 ۲۹۱. همان، ص ۱۰۹.
 ۲۹۲. ابن اثیر جزری، پیشین.
 ۲۹۳. همان.
 ۲۹۴. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۱۰.
 ۲۹۵. همان، ص ۱۰۹.
 ۲۹۶. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۷۶.
 ۲۹۷. همان، ص ۷۷.
 ۲۹۸. شیخ مفید، پیشین، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
 ۲۹۹. همان، ص ۱۱۲.
 ۳۰۰. ابن اثیر جزری، پیشین، ص ۷۸.
 ۳۰۱. همان، ص ۶۰.
 ۳۰۲. همان، ص ۶۸.
 ۳۰۳. شیخ مفید، پیشین، ص ۷۸، ص ۱.
 ۳۰۴. همان، ص ۱۷.
 ۳۰۵. همان، ص ۹۶.
 ۳۰۶. همان، ص ۱۰۱.

- صحابی ای که نام می‌برد، برسند و به نقل ارشاد، ۲۷۸ از همه آنها.
 ۴-۳۲. نام بردن ارشاد ۲۷۹ در آغاز، از یکی از دو برده ای که برای نبرد تن به تن پیشگام شدند و نام بردن از دومی در ادامه گزارش و نام بردن کامل ۲۸۰ از هر دوی آنان در آغاز گزارش.
 ۴-۳۳. تفاوت گزارش‌های کامل ۲۸۱ و ارشاد ۲۸۲ از سخنان عبدالله بن حوزة، چگونگی گفت و گوی امام حسین (ع) با وی و نیز کیفیت نابودی اش.
 ۴-۳۴. نام یکی از یاران امام حسین (ع) که در برابر آن حضرت با کوفیان سخن گفت در ارشاد، ۲۸۳ «حتظلة بن سعد» و در کامل، ۲۸۴ «حتظلة بن اسعد».
 ۴-۳۵. بنا بر گزارش کامل، ۲۸۵ شهادت عبدالله بن مسلم ابن عقیل با پرتاب دومین تیر از سوی کشته‌اش - عمرو بن صبیح صدائی - رخ داد و به نقل ارشاد، ۲۸۶ با فرو رفتن نیزه عمرو ابن صبیح - بدون ذکر نسب او - در قلب آن شهید.
 ۴-۳۶. نام کشته‌شدن عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب در ارشاد، ۲۸۷ «عثمان بن خالد همدانی» و نام کشته‌گانش در کامل، ۲۸۸ «عثمان بن خالد بن اُسَیر جهنی» و «بشر بن سوط همدانی».
 ۴-۳۷. نام کشته‌شدن قاسم بن الحسن (ع) در کامل، ۲۸۹ «عمرو ابن سعد» و در ارشاد، ۲۹۰ «عمر بن سعید».
 ۴-۳۸. نام کسی که به دست عبدالله بن عقبه شهید شد در ارشاد، ۲۹۱ «ابوبکر بن حسن» و در کامل، ۲۹۲ «ابوبکر بن حسین».
 ۴-۳۹. نام سپاهی کوفی که به امام حسین (ع) جسارت کرد و سر آن حضرت را با فرود آوردن ضربتی مجروح ساخت در کامل، ۲۹۳ «مالک بن نَسَیر» - بدون ذکر نسب - و در ارشاد، ۲۹۴ «مالک بن نَسَیر کندی».
 ۴-۴۰. بنا بر گزارش ارشاد، ۲۹۵ مردی از بنی دارم تیری به سوی امام حسین (ع) افکند که افزون بر خون آلود کردن گلوی آن حضرت، مانع نوشیدن آب از سوی آن جناب شد و به نقل کامل، ۲۹۶ حصین بن نمیر بود که این تیر را پرتاب کرد و بر دهان آن حضرت نشانند (البته، ابن اثیر در ادامه گزارش، داری بودن این تیر انداز را به عنوان یک احتمال ذکر کرده است).
 ۴-۴۱. نام کسی که عبدالله بن حسن بن علی (ع) را به شهادت رساند و سپس نیز لباس زیر امام حسین (ع) را پس از شهادت آن حضرت به یغما برد در کامل، ۲۹۷ «بحر بن کعب» و در ارشاد، ۲۹۸ «ابجر بن کعب».
 ۴-۴۲. به گزارش ارشاد، ۲۹۹ شمر بن ذی الجوشن بود که خولی بن یزید را به خاطر سستی در کار بریدن سر امام حسین (ع)،